



- ۲ مقدمه - تمهیدات تربیتی.....
- ۲ عناوین تمهیدات تربیتی در شرع.....
- ۳ ۱. تمهیدات تربیتی بعد از ولادت.....
- ۴ ۲. تمهیدات تربیتی در مرحله ازدواج و حمل.....
- ۴ تأثیرات تمهیدات تربیتی.....
- ۵ ۱. نقش ممهّد تربیتی.....
- ۵ ۲. تمهیدات تربیتی به عنوان روش تربیتی.....
- ۵ وظائف والدین در تمهیدات تربیتی.....
- ۶ ۱. تمهیدات تربیتی به عنوان وظیفهای عام.....
- ۶ ۲. تمهیدات تربیتی به عنوان روش تربیت جسمانی.....
- ۶ ۳. تمهیدات تربیتی ممهّد در رشد عقلانی و عاطفی.....
- ۷ برخی عناوین تمهیدات تربیتی.....
- ۷ ۱. نیکی والدین نسبت به ولد.....
- ۸ الف. روایت «محمد بن یحیی».....
- ۸ ب. روایت «محمد بن علی الحسین».....
- ۹ تأثیر نیکی والدین به ولد.....
- ۹ هدف شارع.....
- ۹ ۲. محبت والدین نسبت به ولد.....
- ۹ الف. روایت «احمد بن محمد».....



- ب. روایت «علی بن ابراهیم»..... ۱۰
۳. اکرام ولد توسط والدین..... ۱۰
۴. اعانه ولد بر نیکی توسط والدین..... ۱۱
- الف. روایت «حماد بن امر»..... ۱۱
- ب. روایت «احمد بن محمد»..... ۱۲
- استحباب مؤکد در «اعانه ولد بر نیکی»..... ۱۲
۵. نرمی و ملایمت با فرزند..... ۱۳
۶. وفا به وعد..... ۱۳
- الف. روایت «احمد بن محمد»..... ۱۳
- مفهوم «صبی»..... ۱۴
- ب. روایت «احمد بن محمد»..... ۱۴

مقدمه - تمهیدات تربیتی

در ممهدات تربیت در فضای خانه و خانوادگی یک مجموعه‌ای از ممهدات وجود دارد که بخشی در کتاب و نکاح و این‌ها بحث شده ما هم یکی را که ویژگی‌هایی در آن بوده و عرائض خاصی در مورد آن داشتیم یک مقدار عناوینش را عرض می‌کنم بحث‌های فقهی‌اش در کتاب نکاح آمده است.

عناوین تمهیدات تربیتی در شرع

ما گفتیم که ممهداتی که در مرحله قبل و حین ازدواج هست که به نحوی نقش م مهد دارند، یک مجموعه از چیزهایی است که آنجا آمده ممهدات در دوره حمل هست و ممهدات در بعد از ولادت و هنگام ولادت است



بعد هم مهدهات دوره کودکی و نوجوانی و این‌ها بحث می‌شود. در مورد هر یک از این‌ها شما عناوین زیادی را در کتاب نکاح ملاحظه می‌کنید

۱. تمهیدات تربیتی بعد از ولادت

مثلا در بحث بعد از ولادت و هنگام ولادت چیزهایی که آنجا آمده:

- یکی غَسَل مولود است،
- یکی تحنیک است،
- یکی تسمیه است که بحث کردیم،
- یکی همان تهنیت و شکر الهی و اذان و اقامه و عقیقه است که روایات عقیقه خیلی عجیب است در حدی که قائل به وجوب داشته و روایات داریم که «الْعَقِیْقَةُ وَاجِبَةٌ»، منتهی نکته مقابله روایتی است که معلوم می‌کند خیلی مستحب مؤکد است
- ختنه است
- حلق رأس است
- صدقه دادن و امثال این‌ها است

که در کتاب نکاح آمده و بخش مهمی از آن‌ها یا به صورت حدی یا به صورت مستفاد از خود متون نقشی در تربیت و شکل‌گیری شخصیت فرد دارد من از میان همه آن‌ها تسمیه را که کمتر بحث شده بود عرض کردم بقیه معمولاً بحث شده بعضی هم روایات معتبری ندارد.

۱ - وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۱۳.



۲. تمهیدات تربیتی در مرحله ازدواج و حمل

همانطور که در مرحله ازدواج و حمل و اینها احکام زیادی است که یک نگاه تمهید تربیتی در آنها هست، آن بخش در مرحله قبل انتخاب همسر و دوره حمل و اینها به خصوص انتخاب همسر، یک چیزی است که حدود ده دوازده سال قبل بحث کردم. ما یک دور روایات کتاب نکاح را دقیق بررسی کردیم. به هر حال اینها بخشی از تمهیدات تربیت است که هم آنجا ما سابق بحث کردیم و هم قسمت عمده‌ای از آن در فقه موجود بحث شده و با توجه به آنها و اهمیت بعضی جاها که کسی به آنها نپرداخته آنها را به آنجا احاله می‌دهیم ولی چهارچوبش این است که بخش تمهیدات چنین تقسیمی دارد و قسمت اول و دوم و سومش آنجا بحث شده ما از همه آنها بحث تسمیه را یک بحثی آوردیم بقیه را بحث نکردیم.

تأثیرات تمهیدات تربیتی

بخش بعدی که چیزهای کودکی و نوجوانی باشد و در سنین مختلف شمول هم دارد و نقش مهید دارد، بعضی هم تمهیداتی است که نزدیک به روش تربیتی هم می‌شود. منتهی نقش تمهیدی بالایی هم دارد. ما یک مقداری از عناوینی که در این روایات آمده عرض می‌کنیم و فعلاً آنها را که در روایات آمده می‌گوییم. بحث‌های تحلیلی فقهی داریم که می‌گوییم این عناوینی که در این روایات آمده که به نحوی می‌شود گفت تمهیدات تربیت است، درست است که به عنوان حق فرزند و نوع تعامل با فرزند است، ولی این تعامل‌هایی است که به گونه‌ای زمینه درست می‌کند برای اینکه کار تربیتی مؤثر شود؛ و پذیرای کار تربیتی باشد. بعضی از تمهیدات گفتیم یک تأثیرات غیرمرئی دارد که ما خیلی درک نمی‌کنیم بعضی هم تمهیداتی است که معلوم است که فضا درست می‌کند که کار تربیتی مؤثر باشد. پذیرای کار تربیتی باشد. وقتی می‌گوید به بچه احترام بگذار. این اولاً، خودش یک کار تربیتی است و هم مهید تربیتی است و لذا ما باید این دو نکته را توجه

داشته باشیم



۱. نقش ممهّد تربیتی

یکی اینکه ممهّد تربیتی گاهی نقش تمهیدی اش غیر شناخته شده برای ما است و گاهی شناخته شده است و ما هم در معادلات می فهمیم که اینطور عمل کردم زمینه‌ای می سازد برای اینکه خوب تربیت شود. گاهی آدم تمهید را هدف گیری نکرده و گاهی هدف گیری کرده این می گویم همان جایی که هدف گیری کرده است گاهی با قصد تمهیدی وارد این موضوع شده و توجه به این موضوع دارد ولی نمی داند که چطور اثر می گذارد ولی گاهی معلوم است که چطور اثر می گذارد و شکل تأثیرش امر علمی و عقلانی است.

۲. تمهیدات تربیتی به عنوان روش تربیتی

یکی هم اینکه ممهّد تربیتی گاهی هم خودش یک روش تربیتی است هم ممهّد است وقتی کسی احترام به دیگری می گذارد این احترام به او خود احترام یک روش تربیتی است و شخصیت او را متعالی می کند شما وقتی برای کسی کرامت قائل باشید روح او شکوفا می شود و در عین حال این روش تربیتی ممهّد برای خیلی از چیزهای دیگر هم هست یعنی وقتی شما با احترام با کسی برخورد می کنید زمینه‌ای درست می شود برای اینکه هر جایی می خواهید دستوری به او دهید و کاری انجام دهید و توصیه‌ای به او کنید بپذیرد و لذا خیلی از روش‌های تربیتی در عین اینکه یک روش تربیتی است یک نقش بارز و برجسته‌ای دارد در اینکه سایر روش‌ها مؤثر باشد یعنی ممهّد است برای اینکه فعالیت‌های دیگر تربیتی مربی هم اثر گذار باشد.

وظائف والدین در تمهیدات تربیتی

برگردیم به بحث خودمان، در اینجا وظائفی پدر در قبال فرزند دارد که این وظائف ضمن اینکه وظیفه‌اش است و بحث تربیتی نیست در عین حال نقش ممهّد هم دارد. خود همین فقه و حضانت دو مقوله‌ای است که احکامش مفصل در نکاح گفته شده و ما نمی خواهیم وارد آن شویم فقط می خواهیم این نکته را عرض کنیم که هر دوی این‌ها ضمن اینکه یک وظیفه‌ای است که اگر بحث‌های تربیتی هم نباشد وظیفه است و باید انجام داده شود اما هر دوی این‌ها حتی فقه و حضانت و رضاع، سه مفهومی است که در فقه بحث شده دو



سه نکته اساسی در اینجا هست. اینکه نفقه واجب است با همان فرمول‌ها و قواعد و ریزه‌کاری‌هایی که در فقه آمده یا حضانت واجب است یا حقیقت این بر اساس تفصیلی که در کتاب نکاح آمده یا نکاح که کجا واجب است کجا مستحب است و پدر و مادر چه نقشی دارند این هم تفصیل زیادی دارد که آنجا گفته شده است. هر سه مفهوم کلیدی که در باب نکاح در رابطه پدر و مادر با فرزند مطرح شده و بخش‌های زیادی از آن هم بحث‌های الزامی است. چند نکته در این سه محور وجود دارد.

۱. تمهیدات تربیتی به عنوان وظیفه‌ای عام

یک جهت این است که این‌ها از وظائفی است که در قبال فرزند بر دوش او گذاشته شده به عنوان یک وظیفه کلی که انواع تکالیف و وظائفی که ما در جامعه و ارتباط با دیگران داریم این هم یک وظیفه‌ای است که بر پدر و مادر در قبال فرزندشان گذاشته شده است.

۲. تمهیدات تربیتی به عنوان روش تربیت جسمانی

یک جهت این است که این‌ها در ساحت تربیت جسمانی و بدنی این‌ها، خودشان روش یا ممهّد است نسبت به تربیت جسمانی. این‌ها روشی است یعنی حضانت و رضاع و تغذیه و نفقه و این‌ها همه این‌ها موجب می‌شود که او از احاطه جسمی رشد کند و تربیت جسمی هم یک نوع تربیت در مفهوم عام قصه است پس یک وظیفه عامی است ولی یک وظیفه و بعد دومی در این هست که همان بعد تربیت جسمانی است که نسبت به آن این‌ها نقش یا روش یا تمهید دارند و بیشتر می‌تواند روش باشد. به هر حال روش یا تمهید نسبت به تربیت جسمانی است.

۳. تمهیدات تربیتی ممهّد در رشد عقلانی و عاطفی

بعد سومش این است که در عین حال همه این‌ها نسبت به رشد عقلانی و عاطفی و ابعاد دیگر تربیت همه این‌ها ممهّد است و زمینه‌ساز برای آن‌ها است که ممکن است پدر و مادر هم به نقش ممهّدی‌اش توجه داشته باشند و ممکن است توجه نداشته باشند.

گفتیم ممهّدات گاهی به نقشش توجه دارد و گاهی ندارد؛ و علی‌القاعده در احکام شرعی هم، به این ابعاد توجه شده یعنی در واقع هر سه‌ی این‌ها وظیفه انسانی و کلی است که آدم در قبال دیگران دارد و ممکن است در جای دیگر هم باشد. یک بخش روش یا تمهید تربیتی در ساحت تربیت جسمانی و این‌هاست و در عین حال همه این‌ها ممهّدات تربیت عقلانی و عاطفی و شخصیتی است که در تأثیر این‌ها در این امر، هیچ جای تردیدی نیست. علی‌القاعده هم می‌شود گفت که شرع هم این‌ها را منظور کرده است یعنی اگر این کار سرپرستی و حضانت یا نفقه و رضاع و این‌ها نباشد تردیدی نیست که او متضرر می‌شود. از نظر جسمی و شخصیتی و روحی و عاطفی و این‌ها و زمینه رشد عقلانی‌اش فراهم نمی‌شود و البته یک قواعد و شواهدی هم در روایات هست. بنابراین ما یک بحث اینجا داریم که این دو، سه محوری که در فقه و در کتاب نکاح راجع به هر کدام بحث‌های فقهی مفصلی هم شده در این‌ها یک بعد تربیت جسمانی هست و در عین حال یک نوع ممهّدات برای رشد عقلی و عاطفی و شخصیتی فرد است که در تعالیم اسلامی هم به آن توجه شده و تا یک حدودی به عنوان تکالیف الزامی هم هست و از یک حدود به آن طرف هم تکالیف ندبی و رجحانی و استحبابی است.

برخی عناوین تمهیدات تربیتی

علاوه بر این‌ها یک عناوین دیگری هم داریم که این عناوین آنجا گفته نشده و ما باید بیشتر تکلیف آن‌ها را اینجا معلوم کنیم.

۱. نیکی والدین نسبت به ولد

یکی بر الولد هست. این یک عنوان کلی است که به آن معنا نیامده و قاعدتا هم الزامی نیست و تکلیف ندبی هست ولی در روایات به آن اشاره شده و به عنوان یک تکلیف آمده که یک تکلیف انسانی و بشری است و در عین حال زمینه‌ای است برای اینکه او به تکالیفش عمل کند و رشد تربیتی پیدا کند این در روایاتی آمده



که من روایتش را می‌خوانم. کتاب نکاح جلد چهارده با ابواب احکام اولاد همان ابوابی که بحث می‌کردیم باب هشتاد و هشت، دو روایت اینجا آمده است:

الف. روایت «محمد بن یحیی»

یکی این است که روایت دوم این باب هست که و عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي طَالِبٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷. این روایت مرفوعه است و از نظر سند معتبر نیست. روایت این است که «قَالَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷ مَنْ أَبْرَأُ قَالَ وَالِدَيْكَ مَنْ بِهِ جَهْدٌ نِيكِي كُنْتُ نِيكِي وَالدِّينَ، مقصود این است که بر مؤمن یک قاعد کلی است که تأکید شده اینجا آن بر خاص را سؤال می‌کند می‌گوید به پدر و مادرت. قَالَ قَدْ مَضَى. هر دو از دنیا رفته‌اند می‌گوید بَرَّ وَوَلَدَكَ»^۱ به فرزندان نیک کن که در حقیقت می‌خواهد بگوید بر ولد همان ثواب بر والدین را دارد اگر والدین نباشند البته این روایت معتبر نیست.

ب. روایت «محمد بن علی الحسین»

روایت ششمی هم در همین باب است که محمد بن علی الحسین قال، قَالَ الصَّادِقُ ۷ «بِرِّ الرَّجُلِ بَوَالِدِهِ بَرُّهُ بَوَالِدِيهِ»^۲ این روایت هم از نظر سند مرسله جازم مرحوم صدوق است. کسانی که مراسلات جازم مرحوم صدوق را قبول کنند گر چه ما آن را قبول نداریم به این روایت می‌توانند اعتماد کنند. این نسبت به جازم بود که امام صادق علیه السلام فرمود «بِرِّ الرَّجُلِ بَوَالِدِهِ بَرُّهُ بَوَالِدِيهِ». که این مطلق هم هست و چه والدینش باشند یا نباشند این بر او بر والدین می‌شود. این یک عنوان بر است که این عنوان در این دو روایت آمده که هیچ کدام معتبر نیست و بر فرض اعتبار هم یک حکم ندبی را می‌رساند و بیش از آن نمی‌رساند. یعنی این جهت در آن قطعاً موجود است. تکلیف الزامی و استحبابی که در او می‌گذارد یعنی او باید رشد کند.

^۱ - وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۸۳.

^۲ - همان، ص ۴۸۴.



تأثیر نیکی والدین به ولد

این امر عقلانی است یعنی ما می‌فهمیم که نیکی که به فرزندانش کند، زمینه برای رشد عقلی و عاطفی و شخصیتی او کاملاً فراهم است. اینکه شارع چه مقدار این را در حکمش ملحوظ کرده؟ ما نمی‌توانیم بگوییم، مگر اینکه خودش بگوید. البته اگر ما اطمینان داشته باشیم که این، ملحوظ نظر شارع است، می‌توانیم نسبت دهیم. ولی به هر حال این یک احتمال است. ولی از نظر عقلانی روشن است که این، هست و این جهت هم، دخالت در حکمش دارد. به نظر می‌آید که دخالت دارد ولی بخواهیم نسبت دهیم و بگوییم که بله دخالت دارد اطمینان می‌خواهد.

هدف شارع

یک عنوان هم محبة الولد است این هم نظیر آن است و می‌تواند به عنوان امر مهمد به حساب بیاید. در نقش تمهیدی هیچ تردیدی نیست. بحث این است که شارع در جعل خودش چقدر به این نقش توجه داشته است؟ وقتی این مجموعه را کنار هم بچینیم آدم گاهی مطمئن می‌شود که شارع یک هدف کلانی دارد که می‌خواهد آن را جلو ببرد. یعنی غیر از اینکه می‌خواهد مربی را سعادتمند کند و به وظائفش عمل کند به او هم توجه دارد.

۲. محبت والدین نسبت به ولد

این هم محبت است راجع به محبت هم روایاتی وجود دارد که بعضی در اینجا هست و من می‌خوانم.

الف. روایت «احمد بن محمد»

روایت حدیث سوم در باب هشتاد و هشت است و عنه أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ^۷ سند این هم عبدالله محمد بن بجلی توثیق ندارد. حتی توثیق عام ابن ابی عمیر و این‌ها را ندارد اینجا دارد که امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم ^۶ نقل کرده‌اند که حضرت



فرمودند که «أَحِبُّوا الصَّيَّانَ وَارْحَمُوهُمْ وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئًا فَفُوا لَهُمْ»^۱ اینجا دارد که أَحِبُّوا الصَّيَّانَ وَارْحَمُوهُمْ. تعبیر محبت در همین روایت آمده و این روایت هم البته معتبر نیست و به محبت امر کرده است.

ب. روایت «علی بن ابراهیم»

روایت دوم روایت چهارم همین باب است و عن عَلِيِّ بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ. باز سند این مرسله ابن ابی عمیر است و بر اساس اختلافی که وجود دارد می‌شود این را قبول کرد و می‌شود قبول نکرد ما قبول نداریم. آنجا دارد که امام صادق^۷ فرمودند: إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَاكَ. خدا رحم می‌کند به انسان به خاطر اینکه بچه‌اش را زیاد دوست بدارد. این هم روایت دیگری که اینجا آمده است. ممکن است روایت دیگری هم داشته باشد. اینجا دو عنوان آمده بود که سندی نداشت.

۳. اکرام ولد توسط والدین

عنوان دیگر اکرام است البته اینجا عنوان رحم هم بود که در همین روایت بود. یکی هم عنوان اکرام الولد است. این عنوان اکرام الولد هم در باب هشتاد و سه از همین ابواب احکام اولاد است که آن هم مرفوعه بود و در مکارم الاخلاق از محاسن برقی نقل کرده محاسن سند هم دارد و باید ببینیم. ولی اینجا سندش نیامده است اینجا از پیامبر اکرم نقل شده که قَالَ «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرُ لَكُمْ»^۲. آن «أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ» را قبلاً بحث کردیم اینجا دارد «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ». گفتیم که تأدیب گفتیم بحث تمهید نیست و قبلاً بحث کردیم. کرم نوعی بذل و بخشش است ولی آدم بذل و بخشش واجد کمالات و شخصیت است کرم یعنی کسی که با شخصیت است و اکرموا یعنی اینکه کسی را صاحب کرامت قرار دهد یعنی به او

۱ - همان، ص ۴۸۳.

۲ - همان، ص ۴۷۶.



شخصیت دهد و احترام بگذارد. مفهومش این است ولی این مفهوم باز به لحاظ این روایات شاید سندش معتبر نباشد این هم به این تعبیر در همین جا آمده است.

۴. اعانه ولد بر نیکی توسط والدین

یک تعبیر دیگری که وجود دارد اعانه الولد علی برّ والدیه. می‌گوید شما به بچه‌ها خوب برخورد کن تا او با تو خوب برخورد کند. چون اگر او خوب رفتار نکند عاق می‌شود و مغبوض تو می‌شود تو طوری رفتار کن که او هم با تو خوب رفتار کند یعنی او را به عصبانیت نکشان که او در مقابلت بایستد. این اعانه الولد علی بر والدیه درحقیقت معنایش نیکی کردن است اعانه کن که او به تو برّ کند این در حقیقت مفهوم، برّ به او است. مناسب است که در ترتیبات این را بعد از برّ قرار دهی. در حقیقت کمکش کن که به تو نیکی کند. یعنی به او نیکی کن تا او هم به تو نیکی کند؛ و لذا این در حقیقت در همان مفهوم برّ قرار می‌گیرد با یک تعبیر مستقل، یعنی یک نیکی است که مقابلش نتیجه می‌دهد و او را به انجام وظیفه‌اش وامی‌دارد. برّ را که قرار می‌دهیم عنوان دومش برّ به او می‌شود.

الف. روایت «حماد بن امر»

این بحث اعانه الولد علی بر والدیه یکی در باب بیست و دوم ابواب احکام اولاد حدیث چهارم است که مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَمْرٍو وَ أَنَسِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ ۷ فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ ۶ لَعَلِّيُّ ع قَالَ يَا عَلِيُّ حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ أَدَبَهُ وَ يَضَعَهُ مَوْضِعاً صَالِحاً وَ حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ أَنْ لَا يُسَمِّيَهُ بِاسْمِهِ وَ لَا يَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَا يَجْلِسَ أَمَامَهُ وَ لَا يَدْخُلَ مَعَهُ الْحَمَامَ بَعْدَ مَا يُقَالُ يَا عَلِيُّ لَعْنُ اللَّهِ وَالِدَيْنِ حَمَلًا وَ لَدَهُمَا عَلَى عَقُوقِهِمَا لَعْنُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا بَعْدَ مَا يُقَالُ يَا عَلِيُّ لَعْنُ اللَّهِ وَالِدَيْنِ حَمَلًا وَ لَدَهُمَا عَلَى بَرِّهِمَا ۱. کمکش می‌کند و به

۱ - همان، ص ۳۹۰.



سمتی می‌برد که او بر کند. حملش می‌کند که او هم با او درست رفتار کند. این روایت سند معتبر ندارد حماد بن عمرو و انس بن محمد توثیق ندارند. ولی دلالتش دلالت خوبی است و یک استحباب مؤکدی را می‌رساند. **الْبَتَّةُ لَعْنُ اللَّهِ وَالِدَيْنِ حَمَلًا وَكَدَّهُمَا عَلَيَّ عَقُوقِهِمَا** آن طبق قاعده می‌شود در بعضی موارد حرام است و بعضی موارد هم مکروه است این یک روایت در این بحث است.

ب. روایت «احمد بن محمد»

یک روایت هم در باب هشتاد و شش روایت هشتم است؛ و عن عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رَبَاطٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ رَبَاطٍ إِنْ رَأَيْتَ ابْنَ رِبَاطٍ مِنْ بَنِي رِبَاطٍ يَتَجَاوَزُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ اللَّهِ ۷ قَالَ «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ۶ رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَكَدَّهُ عَلَيَّ بِرَّهُ». درود خدا بر کسی که کمک می‌کند که بچه‌اش با او خوب باشد. رفتار بچه به پدر و مادر آئینه ی رفتار پدر و مادر با او است «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَكَدَّهُ عَلَيَّ بِرَّهُ». درود خدا بر کسی که کمک می‌کند که بچه‌اش درست عمل کند.

استحباب مؤکد در «اعانه ولد بر نیکی»

این روایت که معتبر هست و سند خوبی هم دارد ادامه دارد، استحباب را هم می‌رساند. البته طبق قواعد، اگر عمل او عمل مجرمی باشد، حرام است. یا عمل مجرمی نیست ولی مطمئن است که این عمل موجب می‌شود که او در حرامی قرار بگیرد. آن آن وقت اعانه بر اثم می‌شود. قواعد را بعد می‌گوییم. «قُلْتُ كَيْفَ يَعِينُهُ عَلَيَّ بِرَّهُ». حضرت می‌فرماید: «يَقْبَلُ مَيْسُورَهُ وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَلَا يَرْهُقُهُ وَلَا يَخْرَقُ بِهِ»^۱ می‌فرماید چگونه کمکش می‌کند می‌گوید يَقْبَلُ مَيْسُورَهُ وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ. در حدی که او می‌تواند اعمال خوب او را ولو کم را قبول می‌کند. آنهایی که برایش سخت است از آن می‌گذرد و لَا يَرْهُقُهُ و با خشونت با او رفتار نمی‌کند و لَا يَخْرَقُ بِهِ؛ و او را عاصی و فاسد نمی‌کند. با ملائمت و نرمی برخورد می‌کند. حاصل این

^۱ - همان، ص ۴۸۱.



چند بیان این است که رفتار او رفتار نرم و ملایم است؛ و لذا این اعانة الولد علی بر والدیه که عنوان کلی با استحباب مؤکد است.

۵. نرمی و ملایمت با فرزند

ما در ضمن همین عنوان، لین و ملایمت و همین‌طور عفو و گذشت را از ذیل همین به دست آوردیم که تأکید می‌کند بر اینکه رفتار تو باید رفتار لین و ملایمی باشد اینجا از آن‌جایی است که روایت بعد تربیتی آن را خود بیان کرده است. یعنی در حقیقت می‌گوید ما به طور کلی می‌گوییم که شما با انسان‌های دیگر با رفق و مدارا باید برخورد کنید و ملایم باشید و در نسبت به بچه اینجا تأکید شده با همین نگاه تربیتی که موجب می‌شود که او هم درست تربیت شود و به وظائفش عمل کند این از جاهایی است که ممهّد از خود روایت در می‌آید. یعنی در حقیقت ما در روایات دیگر هم ممکن است پیدا کنیم لین و ملایمت و رفق و مدارا، و عفو و گذشت و خوش خلقی این‌ها چیزهایی است که در روایات برای مطلق روابط اجتماعی بر این‌ها تأکید شده در ارتباط با فرزند اینجا به طور خاص تأکید شده است علاوه بر اینکه می‌گوید این وظیفه عمومی اخلاقی که همه جا هست، در ارتباط با فرزند مؤکد است. و افزون بر این، می‌گوید نگاه من هم فراتر از وظیفه اخلاقی عمومی نسبت به عموم جامعه یا نسبت به فرزند است. می‌گوید بار تربیتی و تمهیدی‌اش هم در نظر گرفته‌ام. که این روایت معتبره خیلی معنا و مفهوم بلند و مهمی برای ما دارد این هم یک عنوان دیگر با چند عنوان قبلی که در حقیقت رفق و مدارا و نرمی و ملایمت است که موجب این می‌شود که در او هم تأثیر مثبت بگذارد.

۶. وفا به وعد

عنوان دیگر هم وفا به وعد است که علاوه بر چیز عامی که وفاء به وعد دارد به عنوان یک امر اخلاقی عمومی در ارتباط با فرزند مورد تأکید ویژه قرار گرفته است.

الف. روایت «احمد بن محمد»

این دو روایت در باب هشتاد و هشت دارد. باب هشتاد و هشت حدیث سه و پنج. حدیث سه اینطور است که روایتش معتبر نبود. عن أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَلِيِّ كَمَا أَنَّ تَوْثِيقَ نَدَّاهُ أَنَّ إِمَامَ صَادِقٍ^۷ مِي فَرَمُودَ كَمَا يَمِيرُ^۶ فَرَمُودُنَا: «أَحِبُّوا الصَّبِيَّانَ وَارْحَمُوهُمَا وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمَا شَيْئًا فَقُولُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنَّكُمْ تَرْزُقُونَهُمْ»^۱. می گوید وقتی به آن‌ها وعده دادید وفا کنید. برای اینکه همه آمال آنها به شما وصل است شما را رازق خودشان می دانند و به شما پناه آورده اند و آن‌ها را بی پاسخ نگذارید. این روایت سوم است که سندش معتبر نیست.

مفهوم «صبی»

اینجا صبیان دارد در همه روایات دیگر ولد بود که تا سنین بزرگی هم ولد است ولو اینکه ذهن آدم به سمت دوران کودکی و نوجوانی می رود ولی به هر حال ولد است. ولی صبیان قبل از دوره بلوغ است. ذیلش معنا می کند که وظائف او در هر بری بر او به والدینش است. این یک روایت وفای به وعد است.

ب. روایت «احمد بن محمد»

روایت دیگر هم روایت پنجم باب هشتاد و هشت است؛ و عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ كَلِيبِ الصَّيْدَاوِيِّ قَالَ قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ إِمَامَ كَازِمٍ^۷ فَرَمُودُنَا: «إِذَا وَعَدْتُمُ الصَّبِيَّانَ فَقُولُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ يَرَوْنَ أَنَّكُمْ الَّذِينَ تَرْزُقُونَهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيْسَ يَغْضَبُ لَشَيْءٍ كَغَضَبِهِ لِلنِّسَاءِ وَالصَّبِيَّانِ»^۲. البته بعدی که این به آن اشاره کرده بعد خود شخص مربی است و اینکه دل او را نشکند. اینکه دل او را نشکند، روی سلامت روانی او مؤثر است و اینکه الگوی درستی بگیرد، روی حدث و گمان ما می توانیم بگوییم یک بعد تمهید تربیتی دارد. البته همه این‌ها حمل بر استحباب می شود و حکمش همان حکم وفای به وعد است

۱ - همان، ص ۴۸۳.

۲ - همان، ص ۴۸۴.



اما سندش علی بن حکم است که بین ثقه و غیر ثقه مشترک است ولی جایی که احمد بن محمد عیسی از آن نقل کند، ثقه می‌شود. اینجا هم همینطور است و لذا موثق است. کلیب صیداوی هم ابن ابی عمیر و صفوان در روایات معتبر از آن نقل کرده‌اند و ما گفتیم که توثیق نقل ابن ابی و صفوان را به عنوان توثیق عام قبول داریم و لذا این روایت هم معتبر می‌شود.